

تفسیر آیه

یوم یفتح فی الصور... ﴿﴾



* [تفسیر آیه در کلام پیامبر گرامی ﷺ]

* گروه‌های پانزده گانه مردم در قیامت

* [معنای غیبت]

* [اقسام غیبت]

* [موارد جواز غیبت]

* [پشیمانی از غیبت]

مؤلف: نامعلوم

محقق: علی حبیب اللهی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه تحقیق

رسالة حاضر

مؤلف آن شناخته نشد، این رساله تفسیر آیه یازده سوره نبا: ﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (نبا: ۷۸: ۱۸) است.

در این رساله بعد از ذکر آیه و ترجمه فارسی آن، ابتدا به نقل از تفسیر ثعلبی، کشف و طبرسی حدیثی را از پیامبر گرامی ﷺ به روایت معاذ بن جبل می آورد که رسول الله ﷺ فرمود: «ده صنف از اُمت من در قیامت محشور می شوند که ایشان را از مؤمنان جدا سازند.» و بعد از بیان ویژگیهای هر یک از ده گروه، حدیث دیگری را از پیامبر ﷺ در تفسیر آیه می آورد که حضرت فرموده است: «یا علی یحشر أمتی یوم القیامة علی خمسة عشر فوجاً...» و تا آخر کتاب توضیح همین پانزده گروه از مردم است که عبارتند از:

۱. افرادی که زکاة نمی دهند.
۲. دروغگویان در خرید و فروش.
۳. اذیت کنندگان به همسایگان.
۴. گواهان بر دروغ.
۵. غیبت کنندگان (که در این قسمت شرح بیشتری داده است و معنای غیبت، حکم شنونده غیبت، اقسام غیبت و موارد جواز آن... را بیان می کند).
۶. ظلم کنندگان به مردم.
۷. مشروب خواران.
۸. حرام خواران.
۹. ناصحان بی عمل.
۱۰. ترک کنندگان نماز.
۱۱. رشوه خواران.
۱۲. خورندگان مال یتیمان.
۱۳. کتمان کنندگان شهادت.
۱۴. تنگ نظران بخیل و امر کنندگان به آن.
۱۵. توبه کنندگان.

نویسنده در ضمن بیان این روایت با استفاده از آیات و روایات و نقل قول بزرگان،

مطلب خود را تأیید می کند و به آن انسجام منطقی بیشتری می دهد .
تحقیق این رساله بر اساس نسخه شماره ۲۵۶۱ کتابهای خطی کتابخانه مسجد اعظم
قم انجام شد^۱ ، و این تنها نسخه منحصر به فرد می باشد ، و معمولاً در فهرستهای
رساله های قرآنی اسمی از آن برده نشده است .^۲

والسلام
علی حبیب اللهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ﴾ یعنی روزی که دمیده شود در صور در نفخهٔ ثانیه ﴿فَتَأْتُونَ افواجاً﴾ (نبأ: ۷۸) پس بیایید شما گروه گروه، مختلف از قبرهای خود به عرصه گاه محشر، هرگروهی با پیغمبر خود.

[تفسیر آیه در کلام پیامبر گرامی ﷺ]

و در تفسیر ثعلبی و کشاف و طبرسی و غیر آن مذکور است که:

معاذ بن جبل روزی با حضرت رسالت ﷺ در منزل ابویوب انصاری این آیه را از آن حضرت سؤال کرد. فرمود: یا معاذ پرسیدی از بزرگترین چیزی (پس آب در چشم مبارک گردانید و فرمود:) ده صنف از امت من در قیامت حشر کنند و ایشان را از مؤمنان ممتاز سازند: بعضی بر صورت بوزینگان، و برخی بر هیأت خوکان، و بعضی نگونساران که ایشان را به روی به دوزخ کشند، و بعضی نابینایان، و بعضی کران و گنگان، و بعضی زبانهای خود را میخایند و آن برسینه های ایشان افتاده باشد و ریم از دهنهای ایشان سیلان کند. و اهل محشر را از آن کراحت باشد، و بعضی را دست و پا بریده باشند، و بعضی را از دارهای آتشین آویخته، و بعضی را نتنی باشد بدتر از مُردار، و بعضی را جبهه ها پوشانیده باشند از قَطْران که چسبیده باشد به پوستهای ایشان. اما بوزینگان سخن چینان باشند، و خوکان حرام خواران، و نگونساران رباخواران، و کوران جور کنندگان در حکم، و گنگان و کران آنان که به اعمال خود مُعجب بوده اند، و زبان خویان علمایی که گفتار ایشان مخالف کردارشان

باشد، ودست و پا بریدگان رنجانندگان همسایگان، و آویختگان از دار غمّازان
وسعایت کنندگان سلاطین، و آنها که تُننِ عظیم دارند متابعان شهوات و بازدارندگان
حق خدا، و پوشندگان لباس قُطرانِ اهل تکبّر و نازش اند. ۳

[گروههای پانزده گانه مردم در قیامت]

سأل علي بن أبي طالب عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله عن هذه الآية ﴿يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله :

«يا عليّ يحشر أمتي يوم القيامة على خمسة عشر فوجاً: ۴»



[۱. افرادی که زکات نمی دهند]

الفوج الأول: يخرجون من قبورهم ويطؤونهم مثل الخيل ملئت من الحيات والعقارب، فيقولون الناس: من هؤلاء؟ فيقال: هؤلاء الذين لا يؤتون الزكاة من أموالهم فماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار. قوله تعالى: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَفَقَّهُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما كنزتم لأنفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون ﴿ (توبه: ۹): (۳۵، ۳۴)

[۲. دروغگویان در خرید و فروش]

الفوج الثاني: يخرجون من قبورهم وتجري من أفواههم نهر من دم فيقولون الناس من هؤلاء؟ فيقال: هؤلاء الذين يكذبون في البيع والشراء فماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار. قوله تعالى: ﴿ويوم القيامة ترى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وجوههم مسودة﴾ (الزمر: ۳۹): (۶۰)

[۳. اذیت کنندگان همسایه]

الفوج الثالث: يخرجون من قبورهم مقطوعة اليدين والرجلين، فيقولون الناس: من هؤلاء؟ فيقال: هؤلاء الذين يؤذون الجيران في الدنيا وماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار.

[۴ . گواهان بر دروغ]

الفوج الرابع : يخرجون من قبورهم مقطوعة العنق إلى الخلقوم؛ فيقولون الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يشهدون على الكذب فماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار . قوله تعالى : ﴿سبحانك هذا بهتان عظيم﴾ (النور: ۲۴: ۱۶) یعنی پاک و منزهی تو ای خداوند از آنکه در حرم محترم پیغمبر قدح توان کرد، این کلام افترا بی است بزرگ .



[۵ . غیبت کنندگان]

الفوج الخامس : يخرجون من قبورهم على صورة البهائم فيقولون الناس من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يفتابون الناس وماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار . قوله تعالى : ﴿ولا يغتب بعضكم بعضاً أيحب أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه واتقوا الله إن الله تواب رحيم﴾ (الحجرات ۴۹: ۱۲) یعنی باید که غیبت نکند بعضی از شما بعضی دیگر را یعنی یکدیگر را در غیبت به بدی یاد مکنید چنانکه درباره سلیمان کردید .

پس در بیان آنکه غیبت افحش چیز است می فرماید : ﴿أيحب أحدكم﴾ آیا دوست می دارد یکی از شما ﴿أن يأكل﴾ آنکه بخورد ﴿لحم أخيه﴾ گوشت برادر خود را ﴿ميتاً﴾ در حالتی که مرده باشد آن برادر ﴿فكرهتموه﴾ پس بتحقیق که کراهت خواهد داشت از آن و ممکن نخواهد بود شما را انکار کراهت آن ، پس همچنان که شما بسیار کاره و متنفرید از خوردن گوشت برادر مرده باید که از غیبت نیز براین وجه اجتناب نمائید چه طبع و شرع منکر آن است ﴿واتقوا الله﴾ و بترسید از عقوبت الهی به سبب ارتکاب غیبت ﴿إن الله﴾ به درستی که خدای ﴿تواب﴾ بسیار پذیرنده توبه است از جمعی که توبه کنند از غیبت ﴿رحيم﴾ مهربان برآنکه باز ایستد از آن .

[معنای غیبت]

و غیبت عبارت است از آنکه در غایبانه کس سخنی گویند که اگر در مواجهه به او گویند او را بد آید .



و از حضرت پیغمبر ﷺ پرسیدند که مَا الْغِیْبَةُ؟ غیبت چیست؟ فرمود:

آن است که یاد کنی برادر خود را به آنچه از آن کاره باشد، اگر آن چیز در او باشد به تحقیق که غیبت او نموده‌ای. و اگر در او نیست او را بُهْتان کرده‌ای.^۵

و نیز فرمود:

که غیبت مسلمانان مکنید و در پی عورات و بدیهای ایشان مَباشید که هر که در پی عورات برادر مسلمان باشد حق تعالی وی را رُسوا سازد و اگر چه در میان منزل خود باشد.^۶

و نیز از آن حضرت مروی است که:

بر شما باد که از غیبت اجتناب کنید که غیبت سخت تر است از زنا؛ زیرا که حق تعالی مرد زانی را بعد از توبه آمرزد و غیبت کننده را نمی آمرزد تا که مُغْتاب او را حلال کند.^۷

و در مصابیح القلوب مذکور است که:

یکی از علمای اَمّت گوید: روزی در گورستان نشسته بودیم، مردی جوان به سرعت تمام بر ما بگذشت. گفتم: این و امثال این و ببال مسلمانانند و مشوش خاطر ایشان. چون شب شد در واقعه دیدم که آن مرد را بر جنازه خوابانیده نزد من آوردند و کاردی به دست من دادند و مرا گفتند بخور گوشت این را. گفتم: سبحان الله من چندین سال است که حیوانی نخورده‌ام، گوشت مرده چگونه خورم؟ گفتند: نه غیبت او کردی پس چرا گوشت او را نمی خوری؟ گفتم: از آن توبه کردم. پس یک سال به آن گورستان تردد می کردم تا آن جوان را ببینم و از او حلالیت خواهم. بعد از یک سال او را دیدم و قبل از آنکه سخن کنم گفتم: توبه کردی؟ گفتم: آری. گفت: برو که ترا حلال کردم.^۸

و مروی است که:

چون ماعز را به جهت اقرار او به زنا سنگسار کردند، حضرت رسول ﷺ از یکی شنید که به دیگری می گفت: ماعز خود را رسوا کرد که گواهی به زنا داد در حق خود تا او را چون سگ سنگسار کردند حضرت هیچ نگفت، پس از عقب آن حضرت می آمدند تا به خرابه ای رسیدند، خری مرده آنجا افتاده بود.

حضرت رسول ﷺ به ایشان فرمود که: این خر را بخورید. گفتند: یا رسول الله چگونه گوشت میته را بخوریم؟ فرمود که: نه شما غیبت ماعز می کردید که از خوردن میته بدتر است، نمی دانید که او در جویهای بهشت می چرد.^۹

انس از آن حضرت روایت کرد که فرمود:

شب معراج که مرا به آسمان بردند به جماعتی رسیدم که ایشان را ناخن و چنگال از روی و مس بود و به آن روی خود را می خراشیدند گفتم: اینها کیستند؟ گفتند: آنانند که در دنیا گوشت برادران مؤمن را می خوردند و غیبت می کردند و عرض ایشان می بردند.^{۱۰}

[شنونده غیبت]

و مستمع نیز مثل غیبت کننده است همچنان که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که: «السَّمْعُ لِلْغِيْبَةِ أَحَدُ الْمُغْتَابِينَ»^{۱۱} شنونده غیبت یکی از غیبت کنندگان است. از میمون بن شاه که از أجل تابعین است روایت کرده اند که گفت:

شبی در خواب دیدم که شخصی جیفه مرغی نزد من آورد. گفت: بخور. گفتم: مرده را چون بخورم؟ گفت: به جهت آنکه غیبت فلان کردی. گفتم: به خدا که نام فلان را به خیر و شر نبرده ام. گفت: نه استماع غیبت او کردی و به آن راضی بودی.^{۱۲} میمون بعد از این واقعه هیچ کس را نگذاشت که در حضور او غیبت کس کنند تا وفات کرد.

و در خبر است که عیسی - علی نبینا وعلیه السلام - اصحاب خود را گفت که: اگر باد در جامه شما آید و آن جامه را از عورت شما بردارد چه خواهید کرد؟ گفتند: آن را خواهیم پوشید. گفت: نه چنین است، بلکه شما از آن جماعتید که آن جامه را بالاتر برید.^{۱۳} این کنایت است از این که کسی غیبت شخصی کند و منع او نکنند بلکه مدد او نمایند.

[اقسام غیبت]

و غیبت منحصر نیست در قول، و قول مقصور نیست بر صریح بلکه کنایه و اشاره به دست و چشم و سر و غیر آن نیز از اقسام غیبت است گاهی که مقید غیبت باشد و همچنین حکایت از حرکات و سکانات و مشی و امثال آن. و از جمله کنایت است که کسی گوید: «من در مجلس حکام حاضر نمی شوم و مال یتیم نمی خورم»، و مراد او این باشد که فلان مرتکب این می شود.





و از این قسم است آنکه گوید: «شکر مرخدایی را که مرا از این فعل منزّه ساخته» و قصد او این باشد که فلان این فعل می کند؛ چه این شکر متضمن غیبت است. و بر همین طریقه است که گوید: «فلان اگر این فعل نمی کرد بهتر می بود» و قصد او این باشد که تنبیه غیر کند که فلان این عیب دارد، و همچنین اگر نفس خود را مذمت کند و مقصود او تنبیه مردمان باشد بر سؤات غیر. حاصل آنکه هرچه غرض از آن تعرّض بعرض غیر باشد و به آن غرضی صحیح مقصود نباشد از قسم غیبت است.

[موارد جواز غیبت]

اما اگر گویند در حق فاسق متظاهر الفسق که «فلان این عمل می کند» غیبت نیست، مانند شخصی که علانیه شرب خمر کند یا ظالمی که به آشکارا ظلم کند و امثال آن. و همچنین غیبت نیست نصیحت کردن مستشیر را در نکاح یا در معامله یا در مجاورت و غیر آن اگر متضمن بدگویی آن کس شود، که از حال وی استفسار کند همچنان که گویند: فلان مردی بخیل است، و یا کثیر النزاع است، و یا بد معامله. و همچنین جرح گواهان کردن نیز جایز است. و غیبت اهل خلاف و طعن و لعن ایشان کردن نیز مستثنی است، و لهذا حضرت امیر المؤمنین و امام حسن - صلوات الله علیهما - در مجالس ذکر معایب معاویه و عمرو عاص می کردند، چنانکه در نهج البلاغه مذکور است. و فقهای امامیه را نیز جایز است که ذکر مسائل باطله کنند و قدح در صحّت آن اگر مقام مستدعی تشنیع باشد برقائل آن، و خشونت کردن در ردّ آن به جهت عظیم اعتقاد مردمان در حق آن جایز است و باید در تشنیع آن کوشند تا مردمان از آن اعتقاد منزجر شوند.

اما باید که در حال تشنیع آن کس قصد قربت کند و اظهار حق، نه آن که آن را به عداوت و حسد آمیخته سازند. و تفصیل این مبحث و بیان آن در منهج الصادقین به احسن وجهی مسطور است.^{۱۲}

کتاب الفقه العرفی

[پشیمانی از غیبت]

و شیخ و جمهور علما در بعضی تعلیقات خود آورده اند که :

هرکه غیبت کرده باشد کسی را و بعد از آن از آن نادم شود باید که این دعا را بخواند
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدًا وَاعْفِرْ لِمَنْ اغْتَابَتْهُ وَلِمَنْ سَمِعَتْهُ غَيْبَتَهُ» چه آن کفار
 گناه آن غیبت است . اما باید که پیش از دعا نیت کند که دعا می کنم برای کسی که
 غیبت او کرده ام یا شنیده ام جهت کفاره گناهان خود برای آنکه واجب است قربه الی
 الله باشد ، و این در صورتی است که مغتاب از غیبت خیر نداشته باشد و اگر غیبت
 به او رسیده باشد ذنب او ساقط نمی شود مگر به ابرای او .^{۱۵}

آورده اند که :

چون حضرت رسول ﷺ فتح مکه نمود بلال را امر فرمود که برپام کعبه معظمه رفت و
 اذان گفت ، جمعی از طلّقا در غیبت وی افتادند و از آن جمله هشام قدح در نسب او
 کرده گفت که : آیا محمد کس دیگر ندارد؟ سهیل بن غمر گفت : اگر خواست خدا
 باشد آن را تغییر دهد و برطرف سازد . ابوسفیان گفت : من هیچ نمی گویم می ترسم
 که خدای آسمان محمد ﷺ را به آن خیر دهد . فی الحال جبرئیل آمده حضرت پیغمبر ﷺ
 را از آن خبر داد . آن حضرت ایشان را طلبیده فرمود که : چنین وچنین گفته اید . ایشان
 اعتراف کرده گفتند : بلی . پس این آیه نازل شد .^{۱۶}

[۶ . ظلم کنندگان به مردم]

الفوج السادسة : يخرجون من قبورهم على صورة الخنزير^{۱۷} ، فيقولون الناس : من هؤلاء؟
 فيقال : هؤلاء الذين يظلمون الناس بغير حق فماتوا ولم يتوبوا ، فهذا جزاؤهم ومصيرهم
 إلى النار . قوله تعالى : ﴿ فويل للذين ظلموا من عذاب أليم ﴾ . (الزخرف (۴۳): ۶۵)

[۷ . مشروب خواران]

الفوج السابعة : يخرجون من قبورهم مسودّة الوجّه ومزرق العينين وأسنانهم كقرن الثور
 وشفاهم^{۱۸} يبلغ صدورهم وبطونهم مطرحة على أفخاذهم وظهورهم مشعلة النار ، فيقولون
 الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يشربون الخمر في دار الدنيا فماتوا ولم يتوبوا ،
 فهذا جزاؤهم ومصيرهم إلى النار . قوله تعالى : ﴿ إنما الخمر والميسر والأنصاب والأزلام



رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون ﴿٩٠﴾ . (المائدة: ٥) : (٩٠)

[٨ . حرام خواران]

الفوج الثامن : يخرجون من قبورهم على صورة القردة^{١٩} ، فيقولون الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يأكلون الحرام ويفرحون بالحرام فماتوا ولم يتوبوا ، فهذا جزاؤهم و مصيرهم إلى النار . قوله تعالى : ﴿ عن قولهم الإثم وأكلهم السحت و لبئس ما كانوا يصنعون ﴾ . (المائدة: ٥) : (٦٣)



[٩ . ناصحان بی عمل]

الفوج التاسع : يخرجون من قبورهم ولسانهم يخرجون [ألسنتهم تخرج . ظ] من فاهم^{٢٠} ، فيقولون الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يتكلمون الناس بالخير ولم تعمل نفسهم فماتوا ولم يتوبوا ، فهذا جزاؤهم و مصيرهم إلى النار . قوله تعالى : ﴿ أتأمرون الناس بالبر وتنسون أنفسكم وأنتم تتلون الكتاب أفلا تعقلون ﴾ . (البقرة: ٢) : (٤٤)

یعنی آیا امر می فرمایید بندگان را به نیکویی و فراموش می کنید یعنی ترک می کنید نفسهای خود را ، و حال آنکه شما می خوانید تورات را که در وصف پیغمبر است و وعید بر عناد و ترک نیکویی و مخالفت قول با عمل . آیا عقل خود را به کار نمی گیرید در فبح فعل خود تا باز ایستید از آن .

این آیه در شأن بعضی از علمای یهود مدینه است که یاران خود را ترغیب می کردند بر اسلام و انقیاد احکام شرع محمدی و خود قبول اسلام نمی کردند .^{٢١}

از انس مروی است که : گاه علوم انسانی و مطالعات فرنگی رسول الله فرمود : در شب معراج بر جمعی بگذشتم که لبهای ایشان را به مقراض می بریدند . به جبرئیل گفتم : که : « اینها کیستند؟ گفت : واعظانند که در دنیا مردمان را به نیکویی امر می فرمودند و خود ترک آن می کردند .^{٢٢}

[١٠ . ترک کنندگان نماز]

الفوج العاشر : يخرجون من قبورهم ويستغيثون^{٢٣} إلى الله فلا يُغاثون ، فيقولون الناس من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يتركون الصلاة فماتوا ولم يتوبوا ، فهذا جزاؤهم و مصيرهم

إلى النار. قوله تعالى: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾.

یعنی پس در رسیدند از پس ایشان از فرزندان که از غایت غفلت و جهالت ﴿اضاعوا الصلوة﴾ فرو گذاشتند نماز را یعنی ترک کردند ﴿وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ﴾ و پیروی کردند آرزوهای نفس را از انواع معاصی چون شرب خمر و زنا و امثال آن.
ابن عباس فرمود که:

اینها یهودند که ترک صلاة مفروضه کردند و شرب خمر نمودند و نکاح خواهر پدري را حلال دانستند.^{۲۴}

و به روایت مُجاهد و قُتاده مُراد، فساق این امتند تا رُوز قیامت.^{۲۵}
امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود که:

این در وقتی است که مشغول شوند به بناهای بلند پر زینت و بر اسبان منظور نشینند و جامهای مشهور پوشند.^{۲۶}

﴿فسوف یلقون﴾ پس زود باشد که برسند «غیا» به جزای گمراهی و تباهی خود و به سزای بدی و زیانکاری خود.

از ابن مسعود و عطاء و کعب مروی است^{۲۷} که «غی» وادی است در جهنم آتش آن تیزتر و عذاب آن سخت تر که بی نمازان و متابعان شهوت و آز را به آنجا برند.
و به روایت ابن عباس:

وادی است در دوزخ که آتش دوزخ از فرط حرارت آن به خدا پناه برد و آن جای زانی مُصیر و مُدمن خمر و آکل ریاست، و کسانی که عاق والدین باشند و گواهی به دروغ دهند و زنی که فرزندی را که از شوهر او نباشد بر شوهر خود بندد.^{۲۸}

[۱۱ . رشوه خواران]

الفوج الحادي عشر: یخرجون من قبورهم و یحلقون من هولهم^{۲۹}، فیکولون الناس: من هولاء؟ فیقال: هولاء الذین یأخذون الرشوة حتی أضاعوا حق المسلمین، فماتوا ولم یتوبوا، فهذا جزاؤهم و مصیرهم إلى النار. قوله تعالى: ﴿ومن لم یحکم بما أنزل الله فاولئك هم الظالمون﴾. (المائدة: ۴۵)



[۱۲ . خورندگان مال یتیمان]

الفوج الثاني عشر: يخرجون من قبورهم و بطونهم ملئت من النار، فيقولون الناس: من هؤلاء؟ فيقال: هؤلاء الذين يأكلون أموال اليتامى ظلماً فماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم و مصيرهم إلى النار. قوله تعالى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ (النساء: ۴) (۱۰)

یعنی بدرستی که آنان که می خورند و تلف می کنند مالهای یتیمان را از روی ستمکاری و ناحق ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ﴾ جز این نیست که می خورند ﴿فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ در شکمهای خویش آتشی عظیم یعنی پُر می سازند شکم خویش را به آنچه ایشان را به آتش دوزخ می کشد.

امام محمد باقر علیه السلام از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله نقل کرده است که :

حقّ تعالی روز قیامت قومی را برانگیزاند که آتش از دهنهای ایشان برافروخته باشد اهل عرصات^{۳۰} گویند که اینها چه کسانیست؟ ندا آید که ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾

و زود باشد که در انداخته شوند خورندگان مال یتیم در آتش افروخته .
و در تفسیر کبیر مذکور است که :

روز قیامت خورنده مال یتیم را درآرند در عرصات و آتشی که شکم او مملو باشد زبانه زند و از دهن و بینی و گوش و چشم او بیرون آید، و بدین علامت همه کس او را بشناسد که خورنده مال یتیم است .^{۳۱}

امام رضا علیه السلام فرموده است :
در خوردن مال یتیم دو عقوبت روشن است یکی از آن عقوبت دنیا است که ابتلاست به انواع بلاها و یکی دیگر در آخرت که آتش سوزان دوزخ است .^{۳۲}
و از امام صادق علیه السلام نقل است که :

خورنده مال یتیم زود باشد که وبال آن به او رسد هم در دنیا و هم در آخرت .^{۳۳}

[۱۳ . کتمان کنندگان شهادت]

الفوج الثالث عشر: يخرجون من قبورهم على صورة الخنزير، فيقولون الناس؟ من هؤلاء؟ فيقال: هؤلاء الذين يكتُمون الشهادة فماتوا ولم يتوبوا، فهذا جزاؤهم و مصيرهم



إلى النار . قوله تعالى : ﴿ولا تكتموا الشهادة ومن يكتمها فإنه آثم قلبه والله بما تعملون
 عليم﴾ . (البقرة (٢): ٢٨٣)

[١٤ . تنگ نظران بخیل و امر کنندگان به آن]

الفوج الرابع عشر : يخرجون من قبورهم بلا نور ولا بهيمة ، يقولون الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين يئخلون ويأمرون الناس بالئخيل . قوله تعالى : ﴿في نار جهنم خالدین فيها﴾^{٣٤} .
 یعنی آن جماعتی که بخل می کنند و مردم را امر به بخل می کنند جاویدانند در آتش جهنم .

[١٥ . توبه کنندگان]

الفوج الخامس عشر : يخرجون من قبورهم بالنور التمام ووجوههم كالقمر من ليلة
 البدر ، فيقولون الناس : من هؤلاء؟ فيقال : هؤلاء الذين ماتوا على التوبة وجزاؤهم الحسنة .
 قوله تعالى : ﴿ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التي كنتم توعدون﴾ (فصلت (٤١): ٣٠) وقوله
 تعالى : ﴿طبتم فادخلوها خالدین﴾ . (الزمر (٣٩): ٧٣)

- ١ . فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ص ٥٦٧ ، این رساله در مجموعه ای که مشتمل بر هفت رساله ، در يك مجلد جیبی به شماره ٢٥٦١ است . و از نوع کاغذ و ویژگیهای دیگر نسخه استفاده می شود که احتمالاً کتابت آن مربوط به قرن سیزدهم می باشد .
- ٢ . تنها در تفسیر نامه بکائی ، ج ٣ ، ص ١٥٢٣ - ١٥٢٤ ضمن معرفی سه رساله در تفسیر آیه مذکور می گوید : «حدیث نبوی در تفسیر «يوم ينفخ في الصور...» خطی کتابخانه مسجد اعظم قم . شماره ٢٥٦١» .
- ٣ . الکشاف ج ٥ ، ص ٦٨٧ ؛ مجمع البیان ج ٥ ، ص ٤٢٣ ؛ الجامع لاحکام القرآن ج ١٩ ، ص ١٧٥ . در ضمن تفسیر ثعلبی هنوز چاپ نشده است ولی در حاشیه کشف ذیل آیه همین حدیث را از قول ثعلبی نقل می کند .
- ٤ . این حدیث در کتب روایی یافت نشد .
- ٥ . صحیح مسلم ج ٤ ، ص ٢٠١ ، ح ٢٥٨٩ ؛ سنن ابی داود ج ٤ ، ص ٢٦٩ ، ح ٤٨٧٤ ، کتاب الادب ، باب في الغيبة .
- ٦ . اصول کافی ج ٢ ، ص ٢٥٤ ، ح ٢ و ٥ ؛ سنن ابی داود ج ٤ ، ص ٢٧٠ ، ح ٤٨٨٠ .
- ٧ . کتاب الحصال ص ٦٢ .
- ٨ . رجوع شود سنهج الصادقین ج ٨ ، ص ٤٢٤ ؛ و روح الجنان و روح الجنان ج ١٠ ، ص ٢٥٨ .
- ٩ . سنن ابی داود ج ٤ ، ص ١٤٨ ، ح ٤٤٢٨ ، کتاب الحدود ، باب رجم ماعز بن مالک ؛ در المثور ج ٦ ، ص ٩٥ .
- ١٠ . تفسیر روح الجنان و روح الجنان ج ١ ، ص ٢٥٩ . و همچنین روایت قبل و بعد .
- ١١ . مغرر الحکم و در الکلم ج ٤ ، ص ١٣٤ ، ح ٥٥٨٣ ؛ و در محجة البيضاء ج ٥ ، ص ٢٦٠ آورده است : و روی عن



رسول الله «المستمع احد المغتائبين»

۱۲. تفسیر روح الجنان و روح الجنان ج ۱۰، ص ۲۵۸؛ و منهج الصادقین ج ۸، ص ۴۲۵.
۱۳. تفسیر روح الجنان و روح الجنان ج ۱۰، ص ۲۵۹؛ و منهج الصادقین ج ۸، ص ۴۲۵، البته منهج الصادقین کاملتر است و در هر دو به جای «جیفه مرغی» «جیفه زنجی» دارد.
۱۴. موارد جواز غیبت خلاصه‌ای از بحث منهج الصادقین ج ۸، ص ۴۲۶ و ۶۲۷ می‌باشد، و موارد جواز غیبت را بیشتر بزرگان نقل کرده‌اند. مراجعه شود به بحار الانوار ج ۷۵، ص ۲۲۰ تا ۲۶۳، باب الغیبة.
۱۵. منهج الصادقین ج ۸، ص ۴۲۸، ولی اولی فراز اینگونه شروع می‌شود: «و شیخ جمهور در بعضی از تعلیقات خود آورده: هر که...» و اصل استغفار برای کفار از غیبت در کتاب‌های بزرگان آمده است، مصباح الشریعة ص ۳۲، باب ۴۹ در غیبت، می‌گوید: «و إن اغتبت فبلغ المغتاب فاستحل منه فإن لم تبلغه فاستغفر الله له». و درالحجة البيضاء ج ۵، ص ۲۷۳ می‌گوید: «وروي عن النبي ﷺ أنه قال: كفارة من اغتبه ان تستغفر له»
۱۶. مجمع البیان ج ۵، ص ۱۳۵ نقل به معنا شده است، و در مجمع البیان به جای «هشام» «حارث بن هشام» دارد.
۱۷. خنزیر: خوك.
۱۸. اسنان: دندانها. ثور: گاو نر. شِفاهم: لبهای آنان.
۱۹. قِرْدَة: میمون
۲۰. قِناهم: پشت سر آنان.
۲۱. مجمع البیان ج ۱، ص ۹۸؛ و همچنین در در المثور ج ۱، ص ۶۴.
۲۲. مجمع البیان ج ۱، ص ۹۸، در المثور ج ۱، ص ۶۴ از بیهقی در شعب الایمان نقل می‌کند.
۲۳. بستغیثون: طلب فریادرس می‌کنند.
۲۴. تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس ص ۲۵۷ و به جای «شرب خمر» دارد «و اشتغلوا باللذات فی الدنیا» سرگرم لذات دنیا شدند. و لکن در تفسیر کبیر ج ۲۱، ص ۲۳۵، مطابق متن می‌باشد.
۲۵. مجمع البیان ج ۳، ص ۵۱۹.
۲۶. روح المعانی ج ۱۶، ص ۱۰۹؛ تفسیر قرطبی ج ۱۱، ص ۱۲۵؛ و نور الثقلین ج ۳، ص ۳۵۱ از جوامع الجامع هم نقل می‌کند.
۲۷. در بیشتر کتابهای تفسیر نقل شده است ولی یا قسمتی از آن است مانند: تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس ص ۲۵۷، و یا اینکه نقل به معنی شده است مانند مجمع البیان ج ۳، ص ۵۲۰.
۲۸. تفسیر قرطبی ج ۱۱، ص ۱۲۵.
۲۹. هول: خوف، ترس. خلق: کندن موی سر.
۳۰. مجمع البیان ج ۲، ص ۱۳ و لکن جای «اهل عرصات گویند...» تا آخر این گونه نوشته است «فتقیل له یا رسول الله من هولاء؟ فقرأ هذه الآية» یعنی به حضرت گفته شد: این فراد چه کسانی هستند؟ پس حضرت رسول * این آیه را خواندند و همچنین است در تفسیر نور الثقلین ج ۱، ص ۴۴۹.
۳۱. تفسیر کبیر ج ۹، ص ۲۰۰.
۳۲. تفسیر عتاشی ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۳۸؛ غوالي اللئالی ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۳۳۶؛ و در بحار الانوار ج ۷۵، ص ۱۳ هم آمده است.
۳۳. من لا یحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۶۵؛ علل الشرایع ص ۴۸۰؛ و نور الثقلین ج ۱، ص ۴۴۸.
۳۴. بیته (۹۸): ۶ و لکن مربوط به کفار و مشرکین است و دو آیه در قرآن «الذین ینخلون و یامرون الناس بالبخل» داریم (نساء: ۴): ۳۷ و حدید (۵۷): ۲۴ که در آنها «فی نار جهنم خالدین فیها» ندارد.

